

نذر «وقت» برای طبیعت

همیشه که قرار نیست وقتمان برای این و آن تنظیم شود. گاهی می‌توانیم دقایقی از وقتمان را برای حال خوش خودمان کوک کنیم و دراین‌راستا، برای جوانه‌زدن شادی و نشاطی درونی وقت بگذاریم. «نذر وقت برای طبیعت» یکی از این اتفاقات برای حال خوب هرکدامان است. مسئولان می‌گویند این طرح برای آشتی مردم با طبیعت است؛ اینکه هرکدام از ما می‌تواند سفری برای طبیعت باشد. خبر این پوشش را نورا... مرادی، معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست، داده است. هدفی که او برای این پوشش برشمرده، از این قرار است: نهاده‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین همه اقشار مردم، صنایع و سازمان‌های دولتی برای ایفای نقشی مؤثر در کنترل عوامل آلوده‌کننده محیط زیست ازجمله

اهداف این پوشش است. همچنین، معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست گفته است: این وظیفه همه‌ماست که همه توان و انرژی‌مان را صرف‌نسل‌سازی کنیم. مرادی سفیران طبیعت را سرآغاز حرکتی بزرگ برای حفظ محیط زیست کشور دانسته است. به گفته‌او، یکی از کارکردهای سفیران محیط زیست این است که مخاطب‌شناسی قوی داشته باشند تا نسلی محیط زیستی و دغدغه‌مند داشته باشیم. آن‌طور که معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرده است، محور اصلی مخاطبان این پوشش، معلمان و دانش‌آموزان هستند. مسئولان محیط زیست معتقدند «نذر وقت برای طبیعت» حرکتی برای شروع یک آشتی جدایی‌ناپذیر است؛ آشتی‌ای تا هم حال دلمان خوب شود، هم حال‌وروز طبیعت.

جمع‌آوری معتادان متجاهر نیازمند توجه جدی مسئولان

مصرف مواد پشت دیوار کلانتری سیاد

بازدید سرزده شهرآرا همراه با عضو شورای اسلامی شهر از «خانه سبز» مشهد

محمد رضا فیضی

کنارش روز

چند روزی است که کارشناسان هواشناسی آخر هفته سردی را برای مشهدی‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. بعضی مسئولان و شهروندان موضوع را جدی گرفته‌اند و خودشان را برای مقابله با وضعیت ویژه جوی آماده کرده‌اند تا به خوبی و خوشی سرما را پشت سر بگذارند. بعضی‌ها هم گویا منتظرند اتفاقی بیفتد و بعد به فکر راه و چاره باشند. در این میان افراد بی‌خانمانی در شهر به چشم می‌خورند که پناهی برای گریز از سرما ندارند. دیشب از ساعت ۲۲ تا ۲۴ با مادا به اتفاق مجید دبیران، رئیس کمیسیون اقتصادی و مشارکت‌های شورای اسلامی شهر مشهد، در میان کارتن‌خواب‌ها و معتادان شهر ساعاتی را گذرانیدیم.

ضایعاتی که زود دود می‌شود

پس از میدان سیاد و خیابان خیام‌شمالی، وارد جاده اسماعیل‌آباد می‌شویم. چندان‌قدم آن‌طرف‌تر به کال می‌رسیم. یک طرف جاده خانه‌ها قرار دارند و یک طرف هم زمین‌رها. خبری از نور و روشنایی نیست. هردو طرف جاده شعله‌های ریز آتش به چشم می‌خورد. تعدادشان دست‌کم سی‌تا می‌شود. پیاده می‌شویم و به سمت خانه‌های مسکونی می‌رویم. گروه‌های دوسه‌نفره دور شعله‌های آتش کز کرده‌اند. تعدادی که سن‌وسالشان کمتر به نظر می‌رسد، به دیوار کلانتری پناه برده‌اند و روشن‌ان زبونی کهنه‌ای انداخته‌اند تا از سوز سرما در امان باشند.

کمی‌آن‌طرف‌تر، تعدادی به داخل کال سیمانی پناه برده‌اند و در کنار شعله آتش بساط دودو دوشان را پهن کرده‌اند. همه از یک دم یا خماری یا فندک به‌دست، گرم مصرف‌شیشه و کرسنال‌اند. از شدت خماری دل و دماغی برای حرف‌زدن ندارند، فکر و ذهنشان این است تا زودتر نشئه شوند.

به سراغ دفتر که کمی سرحال‌تر به نظر می‌رسند، می‌روم. بخش زیادی از موادشان رازده‌اند و شارژند. مهدی ۳۵سال دارد. اولین باری که لب به مواد زده پانزده سال پیش بوده است. به گفته خودش

هفت‌هشت‌بار هم پاک شده، اما باز به

خانه اول برگشته است و دوباره همان

آتش و همان کاسه.

می‌پرسم چرا دوباره سراغ دودو دم‌رفتی؟ خسته نشدی؟ کمی درنگ می‌کند. با فندک اتمی‌اش مدام ور می‌رود تا روشن شود و سیمش را سرخ کند. دنبال دلیل و بهانه است تا بتواند قانعم کند. می‌گوید: پس از اینکه پاک می‌شوم، کار درست و حسابی ندارم. یعنی کسی به من سابقه‌دار کار نمی‌دهد. از بیکاری دوباره سراغ مواد می‌آیم.

میزان خرجش در این روزهایی که مواد می‌زند، سؤال دیگری است که از مهدی می‌پرسم. درحالی‌که سیم و فندک و مواد را به همدمش احمد می‌دهد تا او هم کمی خودش را بسازد. می‌گوید: کارمان زباله‌گردی است. آمار کوچه‌هایی را که ماشین حمل‌زباله می‌رود، دارم و نیم‌ساعت زودتر می‌روم و حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، دقیقاً به اندازه مصرف مواد، پلاستیک جمع می‌کنم و در همین اسماعیل‌آباد می‌فروشم و

موادم را می‌گیرم و می‌نشینم پای بساط.

مبادله کالا به مواد

احمد هم درحالی‌که موادش را مصرف می‌کند، به مهدی نخ می‌دهد که چه بگوید و چه نگوید. به احمد می‌گویم دسترسی به مواد برایتان سخت است؟ صاف و صادقانه می‌گوید: مثل آب خوردن است. پشت‌بندش ادامه می‌دهد: مدت زیادی است که پول نقد ندیده‌ام. کارت عابری‌بانک هم ندارم. همه پلاستیک‌هایی را که جمع می‌کنیم، به انبار ضایعات در همین حوالی می‌دهیم و در قبالش مواد می‌گیریم. بعضی انباردارها هم با موتور سه‌چرخ یا وانت در همین محدوده حاضر می‌شوند و همین‌جا معامله می‌کنیم. ده‌بیست‌متر آن‌طرف‌تر هم مصرف می‌کنیم. کسی هم کاری به کارمان ندارد.

پلیس: جمع‌آوری معتاد بر عهده ما نیست

با پلیس ۱۱۰ تماس می‌گیریم و از حضور معتادان محدوده کلانتری ۳۰ سیاد گزارشی می‌دهیم. پس از نیم‌ساعت (حدود ساعت ۲۳:۱۵) یکی از کادر کلانتری تماس می‌گیرد. او جزئیات بیشتری می‌خواهد. می‌گویم هوا سرد است و باید برای جمع‌آوری معتادان فکری شود. توپ را به زمین‌نهاد دیگری می‌اندازد و می‌گوید: جمع‌آوری معتادان و کارتن‌خواب‌های شهر بر عهده شهرداری است، باید با شماره ۱۳۷ تماس بگیرید.

جمع‌آوری متکدی بر عهده شهرداری است با ۱۳۷ تماس می‌گیریم. برای جمع‌آوری و اعزام معتادان به گرم‌خانه درخواست می‌کنیم تا اقدام کنند. اپراتور می‌گوید: طبق قانون شهرداری فقط وظیفه جمع‌آوری متکدیان شهر را بر عهده دارد و برای جمع‌آوری معتادان نیز باید توسط نیروی انتظامی صورت گیرد.

حضور یک متکدی را نیز همان‌جا اعلام می‌کنیم، اما

حتی‌پس از ۴۵دقیقه از خودروهای گشت جمع‌آوری کارتن‌خواب‌ها خبری نمی‌شود.

معتادان در انتظار توجه جدی مسئولان

نزدیک ساعت ۲۳:۳۰ و پس از تماس با چند نفر از اعضای شورای اسلامی شهر و متولیان جمع‌آوری کارتن‌خواب‌ها، مجید دبیران، رئیس کمیسیون اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شورای اسلامی شهر، پاسخ تلفن ما را می‌دهد. از او می‌خواهیم برای ادامه بازدید ما را همراهی کند. کمتر از نیم‌ساعت خودش را به جاده اسماعیل‌آباد می‌رساند. با او به سراغ تعدادی از معتادان می‌رویم. بعضی از آن‌ها تصور می‌کنند که برای انتقالشان به گرم‌خانه یا کمپ آمده‌ایم و پا به فرار می‌گذارند و در میان تاریکی مطلق محو می‌شوند.

صدای پیرومردی در میان تاریکی به‌گوش می‌خورد. از همان فاصله دور نام یکی از مسئولان را صدا می‌زند. به سراغش می‌رویم. خودش را سیدمحمد معرفی می‌کند. دور خودش پتو پیچانده و پلاستیکی هم کنارش گذاشته است تا اگر باران بیارد، روی خودش بکشد. فوری پای راستش را از زیر پتو بیرون می‌آورد، کبود و سیاه است. می‌گوید: چند شب پیش مسئولی به سراغم آمد و قول داد فردا برای درمانم پیگیری می‌کند، اما تا الان خبری نشده است. هزینه درمانم زیاد است. باید پایم از بالای زانو قطع شود. درد دارم. شب‌ها به مصرف تریاک و شیره درد را تحمل می‌کنم. از او می‌خواهیم همراه ما شود تا او را به گرم‌خانه ببریم. تمایلی به آمدن ندارد. می‌گوید: گرم‌خانه صبح علی‌الطول ما را بیرون می‌کنند. توان راه‌رفتن ندارم و به همین دلیل ماندن در اینجا را به حضور در گرم‌خانه ترجیح می‌دهم. فقط برای درمانم کاری کنید. مجید دبیران به او قول می‌دهد تا فردا صبح روند درمانش را پیگیری کند.

طرحی برای جمع‌آوری نداریم!

از عضو شورای اسلامی شهر می‌خواهیم برای جمع‌آوری کارتن‌خواب‌ها با ۱۳۷ تماس بگیرد و



عکس: محمد رضا فیضی/شهرآرا

برای جمع‌آوری یکی از کارتن‌خواب‌ها درخواست بدهد. تماس برقرار می‌شود و اپراتور اعلام می‌کند طرحی برای جمع‌آوری نداریم!

دبیران بلافاصله با مسئول شیفت شب «خانه سبز»، تماس می‌گیرد و از او برای بی‌توجهی به جمع‌آوری بی‌خانمان‌ها توضیح می‌خواهد. مسئول اجرایی گرم‌خانه می‌گوید: موارد اعلامی ۱۳۷ به تیم‌های گشت‌اعلام می‌شود. نزدیک‌ترین گشت اعزام می‌شود و اگر فرد معتاد باشد، باید از طریق نیروی انتظامی سامان‌دهی شود و اگر حال نامساعدی داشته باشد، با اورژانس ارتباط برقرار می‌شود تا برای جمع‌آوری اقدام شود. البته اگر کارتن‌خوابی تمایل داشته باشد که به گرم‌خانه بیاید، او را می‌برند و اجباری در کار نیست. راهی «خانه سبز» در خیابان طرحچی می‌شویم گرم‌خانه بازدید می‌کنیم. گرم‌خانه و از فضای گرم‌خانه بازدید می‌کنیم. گرم‌خانه نزدیک دویت تخت دارد و تقریباً ۵۰درصد ظرفیتش پر است. همه آن‌هایی هم که روی تخت خوابیده‌اند، با پای خودشان به گرم‌خانه آمده‌اند. یکی کارگر سرگذر است و از شهرستان برای کار به مشهد آمده است و جایی ندارد و شب‌ها به گرم‌خانه پناه می‌آورد. بسیاری از آن‌ها هم از خانه و کاشانه‌شان رانده شده‌اند و از روی ناچاری در گرم‌خانه شب را صبح می‌کنند.

در بیشان اندک افرادی به چشم می‌خورند که اعتیاد را کنار گذاشته‌اند و الان لنگ کار هستند. از رئیس کمیسیون اقتصادی شورای اسلامی شهر می‌خواهند برای اشتغال‌شان به فکر راه و چاه‌ای باشد. دبیران قول می‌دهد به‌زودی با پیمانکاران شهرداری گفت‌وگو کنند تا ظرفیت آن‌ها برای اجرای پروژه‌های شهری استفاده شود.

یکی از درخواست‌های اصلی بی‌خانمان‌ها، افزایش ساعت حضورشان در گرم‌خانه است که با هماهنگی عضو شورای اسلامی شهر مقرر شد در روزهای سرد زمستان، «خانه سبز» زمان بیشتری از بی‌خانمان‌ها میزبانی کند.



عکس خبیر

مهندسی معکوس در مسیر تحصیل و اشتغال



در خاطرات ما دهه‌شصتی‌ها، گرفتن یک کارت «صدآفرین» در مدرسه، معادل تقدیر از فرد در مراسم بزرگداشت بود و موجی از احساس غرور در مدرسه و تشویق در خانه را در پی داشت. بماند که اگر این کارت از نوع «هزارآفرین» بود، می‌شد به اندازه عضویت در بنیاد ملی نخبگان با آن پز داد. شاید آن روزها این عادت فرهنگی که درس خواندن و نمره‌گرفتن همیشه مورد ستایش و تقدیر قرار می‌گرفت و با انواع جایزه‌ها تشویق می‌شد، پسندیده به نظر می‌رسید، اما عوارض این‌نوع نگاه در دهه‌گذشته خودش را نمایان کرده است، معضل بیکاری بدیهی‌ترین پیامد برای جوانانی است که تحت‌تأثیر فضای فکری حاکم بر جامعه، این تصور را دارند که مانند دوران تحصیل، درس خواندن به‌خودی‌خود مورد توجه و تقدیر قرار می‌گیرد و این امر پس از دوران تحصیل هم ادامه خواهد داشت.

ورود به دنیای واقعی

طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱، حدود ۹درصد جمعیت فعال کشور بیکار بوده‌اند. در تعریف جمعیت فعال و نحوه محاسبه نرخ بیکاری اختلاف نظر وجود دارد و برخی کارشناسان میزان واقعی آن را بیشتر می‌دانند. اما چنانچه همین عدد را هم ملاک قرار دهیم، نکته قابل‌توجه این است که آمار یادشده در میان قشر ۱۸ تا ۳۵سال، بیش از ۱۶درصد و در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴سال ۲۳درصد است که نشان‌دهنده ایجاد شکاف بیشتر میان تقاضای کار و فرصت‌های کاری در سال‌های گذشته است.

چیزی مثل کارت صدآفرین امروز وجود خارجی ندارد، اما فضای فکری و فرهنگی رایج دراین‌باره تغییری بنیادین نکرده و دیدگاه حاکم مانند گذشته است. شکاف اصلی زمانی نمایان می‌شود که افراد پس از طی دوران تحصیل، قصد ورود به بازار کار را دارند، جایی که این توقع وجود دارد که به دلیل دارا بودن مدرک تحصیلی، کاری مناسب نصیب آن‌ها شود.

اما گویا در دنیای واقعی معادلات تفاوت دارد. اینجا چیزی بیشتر از مدرک تحصیلی نیاز است، فراמוש شده‌ای به نام «مهارت» که نه در سیستم آموزشی ما توجه چندانی به آن شده و نه در برنامه زندگی فرد جایی داشته است. اینجااست که به‌نظر می‌رسد باید کارت‌های صدآفرین را فراموش کرد و به دنبال چیزی دیگر بود.

زمین‌بازی عوض می‌شود

حقیقت آن است که ارتقای سطح تحصیلی، ارزشمند است و در میان اقشار جامعه نیز یک ارزش به‌شمار می‌آید، بااین‌حال بازار کار، اقتضائات خاص خودش را دارد که در آن، مهارت و توانایی عملی بیش از عناوین و مدرک‌ها به کار می‌آید.

می‌توانید یک کارشناس، گزارشگر یا مفسر ورزشی خبره باشید، اما به‌محض اینکه بخواهید در میدان مسابقه پا بگذارید، قوانین فرق می‌کند. در نتیجه به مهارت‌های عملی متفاوتی برای ورود به زمین‌نیاز دارید. اینجااست که نباید فراموش کنید وقتی زمین‌بازی عوض می‌شود، قاعده بازی نیز تغییر می‌کند. می‌توانیم سال‌ها بنشینیم و در باب ناکارآمدی نظام آموزشی و نبود برنامه‌ریزی کلان برای اشتغال جوانان صحبت کنیم، اما درنهایت زمانی که کار به تصمیم شخصی دراین‌باره برسد، به راهکاری عملی برای ترسیم جاده پیش‌روی خود نیاز داریم. آمار زیاد دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار نشان‌دهنده غفلت دراین‌زمینه است. نتیجه انتخاب مسیر تحصیلی صرفاً برمبنای کلیشه‌های سنتی رایج دراین‌زمینه، ما را با انبوهی از دانش‌آموختگان باعناوین پرلمطراق رویه‌رو کرده است که در پله‌های نخست جست‌وجوی کار باقی مانده‌اند.

ضرورت تغییر نگرش عمومی و توجه به مهارت‌ورزی

در همین احوال، بسیاری از مشاغل که نه در چارچوب کارمندی، بلکه در حوزه کار آزاد و فضای شغلی خصوصی یا تخصصی طبقه‌بندی می‌شوند، در حال فعالیت‌اند که علاوه بر درآمد خوب، چشم‌انداز کاری روشنی نیز در پیش دارند، مشاغلی که نه براساس اسم و رسم، بلکه بر اساس نیازهای روز جامعه انتخاب شده‌اند. می‌توان با کمی آینده‌نگری، به جای تمرکز مطلق بر مسیر تحصیلی، رشد مهارتی و هدفمند و ارتقای توانمندی‌های کاربردی را سرمایه‌ورود به بازار کار کرد، اینجااست که هم‌گرایی تحصیل و مهارت می‌تواند تضمینی برای موفقیت در مسیر شغلی باشد.

در چنین وضعی، شناخت واقع‌گرایانه نیازهای تخصصی بازار کار و مهندسی معکوس فرایند ترسیم آینده، پیش از رودروشدن با چالش اشتغال می‌تواند کلید عبور از این بحران باشد. نباید از نظر دور داشت که این امر به‌عنوان یک رویه کلی، نه تنها در جامعه ما بلکه در عموم جوامع رایج است. چنان‌که اگر به آگهی‌های کاری شرکت‌های مطرح بین‌المللی نیز سر بزنید، می‌بینید که بیش از آنکه بر مدرک تحصیلی فرد تمرکز کنند، به دنبال افرادی با مهارت‌های تخصصی و عملی موردنیاز در زمینه شغلی مدنظر هستند. ازاین‌رو، به‌نظر می‌رسد نیازمند بازنگری اساسی در نگرش عمومی به این موضوع هستیم، جایی که جست‌وجوی کار نه پس از فارغ‌التحصیلی، بلکه زمانی بسیار زودتر از آن آغاز می‌شود. به عبارت دیگر این شغل نیست که در پی تحصیل انتخاب می‌شود، بلکه مسیر تحصیلی و مهارت‌ورزی است که بر اساس زمینه کاری آینده برنامه‌ریزی می‌شود.

شهرآرا

SHAHRAHANEWS.IR

۱۳

دانشگاه